

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آندره آزوک
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۴ مارچ ۲۰۲۵

سرقت



امروز مردم اروپا گروگان هستند، گروگان یک الیگارشوی مالی که وجدانها را دستکاری می‌کند، که از طریق خدمتکارانش در مطبوعات مکتوب به طور مداوم و بی‌پروا دروغ می‌گوید، که گاه‌بگاه با قوانین تحریف‌شده مردم را به رأی دادن فرا می‌خواند و سپس به طور سیستماتیک اکثر وعده‌های انتخاباتی را خلف وعده می‌کند، تا جایی که «وعده انتخاباتی» به مترادف «قصه پری‌وار تبلیغاتی» تبدیل شده است. و همه این‌ها به عنوان «دموکراسی لیبرال» تجلیل می‌شود. نفوذناپذیری و ناشنوائی در برابر نیازهای مردم با رضایت خاطر از خوش‌خدمتی در برابر لابی‌های مختلف مطابقت دارد، که با انتقال مستقیم یا منافع غیرمستقیم عمل می‌کنند.

وضعیت این گروگان‌ها به وضوح در مسابقه تسلیحاتی کنونی نشان داده می‌شود. اعداد به طور دیوانه‌واری یکی پس از دیگری می‌آیند، در یک رقابت سعودی ثابت. صحبت از پرداخت ۷۰۰ میلیارد یورو برای تسلیحات به اوکراین در حال مرگ است. صحبت از افزایش هزینه‌های نظامی حداقل تا ۳٪ از تولید ناخالص داخلی (که به عنوان تخفیفی نسبت به ۵٪ درخواستی ترامپ ارائه می‌شود) است. در حمایت از این چشم‌اندازها، در رسانه‌ها یک باتری قدرتمند از دروغ‌ها تبلیغ می‌شود (به عنوان مثال، این که روسیه بیشتر از اروپا برای تسلیحات هزینه می‌کند یا این که یک حمله نظامی روسیه تهدیدی واقعی برای اروپا محسوب می‌شود). «حاکمیت‌گرایان» هم کم نیستند که پس از نیم قرن قربانی کردن

کشور هایشان به دستورات ایالات متحده، اکنون از ترس کاهش حضور امریکا در اروپا استفاده می‌کنند تا رؤیای دفاع ملی (یا اروپائی) را ببینند، دفاعی که از طریق هزینه‌های نظامی انفجاری برقرار می‌شود (اتفاقاً هزینه‌ای که تقریباً به طور کامل توسط دستورات امریکائی یا اسرائیلی هدایت می‌شود)

مکانیسم سیاسی در عمل همیشه همان است، تا حد خستگی تکرار می‌شود (و از طرف دیگر، تا زمانی که هیچ کس با اخبار بد واکنش نشان ندهد، تا زمانی که همه چیز را قورت دهیم به جای این که گیوتین را روغن کاری کنیم، واقعاً دلیلی برای تغییر یک تاکتیک برنده وجود ندارد). سیستم به این صورت است: ما در برابر یک خطر قریب‌الوقوع، وحشتناک، که در راه است، که هیچ راه فرار یا جایگزینی باقی نمی‌گذارد، فریاد می‌زنیم، و این خطر نیازمند آن است که – با قلبی پر از پشیمانی – پول باقی‌مانده از هزینه‌های اجتماعی، آموزش، بهداشت، و بازنشستگی را برای رفع وضعیت اضطراری غارت کنیم. پس از پرداخت به مؤسسات اعتباری که برای ورشکستگی بیش از حد بزرگ هستند، پس از خرید پیش‌دستانه ده دوز واکسن کووید برای هر کس – از جمله نوزادان تازه متولد شده – پس از تغذیه الیگارش‌های اوکراینی (که فرزندانشان سواحل مدیترانه را پر کرده‌اند) در حالی که مردم عادی آن‌ها به گوشت توپ تبدیل می‌شوند، اکنون زمان کارت اضطراری به معنای واقعی کلمه فرا رسیده است: تهدید جنگ.

هرچند یادآوری این حقایق آشکار تحقیرآمیز است، بیائید به طور خلاصه به یاد آوریم که چرا افزایش برنامه‌ریزی‌شده و وحشت‌آور هزینه‌های نظامی صرفاً یک سرفقت قانونی‌شده است، بدون هیچ کمکی به دفاع و استقلال ملت‌های اروپائی. الف) اگر واقعاً بخواهیم از طریق دفاع نظامی به حاکمیت دست یابیم، اولین کاری که باید انجام دهیم این است که تولید خودمختار، یا بهتر بگوئیم خودکفا، از همه چیزهای لازم را آغاز کنیم، و وابستگی‌ها به زنجیره‌های تأمین خارجی و دور را قطع کنیم، که تحت اخاذی و اختلال هستند.

ب) اگر بخواهیم خود را در شرایطی قرار دهیم که بتوانیم یک دفاع نظامی جدی در برابر خطری مشابه آنچه در جنگ روسیه و اوکراین دیدیم انجام دهیم، این کار با انباشتن سلاح در انبارها ممکن نیست: باید بار بازسازی یک خدمت سربازی اجباری گسترده و واقعاً آموزشی را به دوش بکشیم. ایده انجام جنگی مانند آنچه در دونباس دیدیم با گروه‌های کوچکی از حرفه‌ئی‌ها به وضوح یک حماقت است.

ج) از آغاز زمان، جنگ‌های در حال پیشرفت تکنیک‌های جنگ را توسعه داده‌اند، بنابراین، به جز واحدهای کم‌هزینه مانند سلاح‌های سبک و گلوله، هیچ معنایی ندارد که انبارها را با تسلیحات پیچیده فناورانه پر کنیم، که در چند سال منسوخ خواهند شد. سرمایه‌گذاری‌های جنگی – اگر انجام شوند – در تحقیق و توسعه انجام می‌شوند، و با سازماندهی تبدیل سریع تولید صنعتی معمولی به تولید جنگی انجام می‌گیرند.

د) در نهایت، برای آماده‌سازی برای یک جنگ دفاعی باید تصور روشنی از چیزی که باید از آن دفاع کنیم داشته باشیم. واقع‌بینانه بگوئیم، یک کشور اروپائی باید از چه کسی دفاع کند؟ دشواری‌هایی ممکن است از سوی گروه‌های تروریستی به اندازه ارتش‌های کوچک ملی (مدل سوریه) ایجاد شود. ممکن است اختلافات مرزی بر سر مناطق مورد علاقه مشترک (معادن، گذرگاه‌های اجباری بحری، و غیره) ایجاد شود، که فضائی برای یک منطقه نسبتاً محدود از خصومت‌های احتمالی در جنوب شرق اروپا باقی می‌گذارد. اگر از قدرت‌های بزرگ دور مانند روسیه (یا چین، یا ایالات متحده) صحبت کنیم، نیاز به دفاع از خود در برابر یک جنگ تهاجمی و فتح توسط این موجودات خنده‌دار است: نه منافع، نه شرایط لجستیکی، و نه شرایط جمعیتی برای چنین چیزی وجود دارد. جنگ‌های توسعه‌طلبانه با اهداف اسکان معمولاً توسط مازاد جمعیتی ایجاد می‌شوند و در مناطق نزدیک و مجاور اتفاق می‌افتند. از این منظر، تنها تهدید واقع‌بینانه برای یک کشور اروپائی ممکن است توسط یک کشور اروپائی دیگر ایجاد شود. قطعاً نه توسط روسیه، که

در حال حاضر مشکلات جدی برای به دلیل کم بود جمعیت در قلمرو عظیم تحت کنترل خود دارد و از فراوانی مواد خام برخوردار است، که اروپا فاقد آن است. در واقع، نمونه اولیه کشوری که تهدید نظامی برای دیگران محسوب می‌شود، کشورهای اروپائی هستند، با تراکم جمعیتی بالا (اگرچه در حال کاهش) و فقر شدید منابع طبیعی. در مورد ایده مسلح شدن برای مقابله با یک جنگ نابودی کامل - هسته ئی - علیه یک ابرقدرت، امیدوارم واضح باشد که این چشم‌انداز هم بسیار غیرمحمتمل و هم از نظر فنی غیرممکن است: اگر ابرقدرتهائی با قلمروهای عظیم و تسلیحات هسته‌ئی فراوان تصمیم بگیرند بلجیم، یا در صورت عدم وجود، فرانسه را بمباران کنند، تنها سرمایه‌گذاری مناسب سرمایه‌گذاری در تسبیح خواهد بود.

بنابراین، در اصل، پروژه عظیم فعلی تأمین مالی هزینه‌های نظامی اروپا شامل چیست؟

این پروژه نشان‌دهنده رشد استقلال مردم اروپا یا رشد توانائی دفاع در برابر تهدیدات واقعی نیست.

در واقع، این پروژه تنها یک چیز است: یک سرقت کلان و قانونی‌شده از منابع عمومی، سرقتی که مردم اروپا را فقیرتر خواهد کرد، که بر وجدان خود بیمارستان‌های فروپاشیده، بازنشستگان گرسنه، و مردم عادی هر روز نادان‌تر و قابل دستکاری‌تر را خواهد داشت.

در همین حال، به نام حاکمیت، آزادی، و دموکراسی، مشتئی الیگارش بازنشستگی خوب خود را در جزیره‌ای خصوصی برپا خواهند کرد.

۱۳ مارچ ۲۰۲۵